

# فهرست

## فارسی یازدهم

## فارسی دهم

درس	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	درنامه	درس	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	درنامه
تایش	۱۰	۳۳۶	تایش	۱۶۶	۴۰۲
کیم	۱۵	۳۳۸	کیم	۱۷۲	۴۰۳
دوم	۲۵	۳۴۲	دوم	۱۸۲	۴۰۸
سوم	۳۵	۳۴۶	سوم	۱۹۴	۴۱۲
پنجم	۴۴	۳۴۹	پنجم	۲۰۳	۴۱۶
ششم	۵۲	۳۵۳	ششم	۲۱۲	۴۲۱
هفتم	۶۱	۳۵۶	هفتم	۲۲۳	۴۲۵
هشتم	۷۲	۳۶۰	هشتم	۲۳۵	۴۳۱
نهم	۸۱	۳۶۳	نهم	۲۴۷	۴۳۶
دهم	۹۰	۳۶۷	دهم	۲۵۹	۴۴۲
یازدهم	۹۷	۳۷۱	یازدهم	۲۶۶	۴۴۶
دوازدهم	۱۰۵	۳۷۵	دوازدهم	۲۷۴	۴۴۹
سیزدهم	۱۱۴	۳۸۰	چهاردهم	۲۸۶	۴۵۶
چهاردهم	۱۲۴	۳۸۵	پانزدهم	۲۹۵	۴۶۲
شانزدهم	۱۳۴	۳۸۸	شانزدهم	۳۰۶	۴۶۶
هفدهم	۱۴۴	۳۹۲	هجدهم	۳۱۵	۴۷۲
هجدهم	۱۵۱	۳۹۵	بجدهم	۳۲۳	۴۷۴
نیاش	۱۶۰	۳۹۹	نیاش	۳۳۰	۴۷۸

۵۷۷

پانخ نامه تشریحی

۶۸۱

۴۸۰

پانخ نامه کلیدی

پانخ نامه تشریحی

# از آموختن، ننگ مدار

## مغلت و املا

۱۲۹- در کدام گزینه همه معانی «مولع» درست بیان شده است؟

- (۱) بسیار مشتاق، آزمندی، شیفته (۲) شیفته، بسیار مشتاق، آزمند (۳) آزمند، اشتیاق، شیفته (۴) بسیار مشتاق، آزمند، شیفتگی

۱۳۰- واژه‌های «مَحال - مستغنی - تیمار - ضایع» به ترتیب، یعنی .....

- (۱) بی‌اصل - بی‌نیازی - حمایت - تباه  
(۲) ممکن - بی‌نیاز - توجه - تلف  
(۳) اندیشه باطل - بی‌نیاز - غم - تلف  
(۴) بی‌اصل - قانع - خدمت‌کردن - تباه

۱۳۱- معنای صحیح «نموده - عمّله - قرابت - تیمارداشتن» در گزینه ..... دیده می‌شود.

- (۱) ارائه کرده - کارگر - خویشاوندی - غمخواری  
(۲) آشکار کرده - کارگر - دوری - محافظت از بیمار  
(۳) نشان داده - بتا - خویشی - پرستاری  
(۴) نشان داده - بتا - خویشاوندی - خدمت‌کردن

۱۳۲- در کدام عبارت، غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) گفت: غلبه آذ و شدت ولع، مرا در این ورطه هایل افکند.  
(۲) در بُن بحر مودت چنان غریق بود که قوت نفس کشیدن نداشت.  
(۳) مفتاح همه اغراض کتمان اصرار است و هر راز که ثالثی در آن محرم نشود از شیوع محفوظ ماند.  
(۴) دو چیز محال عقل است و خلاف نقل؛ خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

۱۳۳- متن زیر چند نادرستی املائی دارد؟

«رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس را به سزا، حق شناس باش؛ خاصه قرابت خویش را. چندان که طاقت باشد با ایشان نیکی کن و پیران قبیلۀ خویش را حرمت دار، ولیکن به ایشان مولع مباش تا هم چنان که هنر ایشان همی بینی عیب نیز توانی دید و اگر از بیگانه نایمن شوی زود به مقدار نایمینی، خویش را از وی ایمن گردان و از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی.»

- (۱) سه تا (۲) دو تا (۳) یکی (۴) نادرستی املائی ندارد.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۱۳۴- در کدام گزینه، غلط املائی به چشم می‌خورد؟

- (۱) نه مستغنی از طاعتش پشت کس  
(۲) گرت بدایع سعدی نباشد اندر بار  
(۳) تو که با جانب خصمت به ارادت نظر است  
(۴) از هر چه تو گویی به قناعت بشکیم

۱۳۵- در کدام بیت غلط املائی نیست؟

- (۱) یکی غلغل از کاخ و ایوان بخواست  
(۲) چو بنشست چنان است که از نسرين تلی  
(۳) دریا و ابر خوانمش از بحر آن که هست  
(۴) اگر م حیاط بخشی، و گرم هلاک خواهی

تو گفستی شب رستخیز است راست  
چو برخاست چنان است که از سرو نهالی  
موجش به هر مکان و سرشکش به هر وطن  
سر بندگی به خدمت بنهم که پادشاهی

موی ۱۳۶- در کدام گزینه، معنی مقابل همه واژه‌ها، درست است؟

- (۱) (نهاد: طبیعت) - (داور: حاکم) - (به سزا: لیاقت)  
(۲) (تل: تپه بلند) - (بزی: زندگی کن) - (رعشه: لرزش)  
(۳) (میاسا: آسان‌نپندار) - (داد: عدل) - (ننگ: عیب و عار)  
(۴) (اصرار: پافشاری) - (زسته: روییده) - (خشت: آجر خام)

موی ۱۳۷- معنی «نهاد» در کدام عبارت متفاوت است؟

- (۱) شیخ باید که خوش‌خوی باشد تا مرید را به درشت‌خویی تَرماند و مرید از وی اخلاق خوب فراگیرد که نهاد مرید آینه افعال و احوال شیخ باشد.  
(۲) ملک گفت: این رفتن بر من سخت آسان می‌نماید که چون شما فرزندان شایسته و بایسته و هنرنمای و مقبل‌نهاد یادگار می‌گذارم.  
(۳) مشت‌زن، برگ درختان خوردن گرفت و بیخ گناهان برآوردن تا اندکی قوت یافت سر در بیابان نهاد و رفت.  
(۴) اما اگر شراب نخوری خشنودی ایزد تعالی بیابی و هم از ملامت خلقان و از نهاد و سیرت بی‌عقلان رسته باشی.

**مربی ۱۳۸-** هر دو معنای واژه «داد» (عطا کردن و دادن - داد و انصاف) در همه ابیات به جز بیت گزینۀ ..... دیده می شود.

- |   |   |
|---|---|
| <p>گرچه در اوصاف او خاطر من داد داد<br/>هم تواند کرمش داد من مسکین داد<br/>خاکم به باد داد به رنگی که آب داد<br/>به پیش خسرو ایران برم ز دست تو داد</p> | <p>(۱) داد من از دلبری است کاو ندهد داد من<br/>(۲) وان که گیسوی تو را رسم تطاول آموخت<br/>(۳) سیل غمی که داد جهان خراب داد<br/>(۴) اگر تو داد دل مستمند من نهدی</p> |
|---|---|

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

**مربی ۱۳۹-** واژه «نهاد» در کدام بیت معنای متفاوت دارد؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>بـرآر از نهاد بدانـدیش گرد<br/>نـتوان نهاد در ره آزادگی قدم<br/>کو به کار خویش سرگردان تر از پرگار نیست<br/>اگر طوقم از عقد پروین کنی</p> | <p>(۱) به اسبان تازی و مردان مرد<br/>(۲) خواجهوا! چو سرو تا نکنی پیشه راستی<br/>(۳) کیست آن کو با تو یا بیرون نهاد از دایره<br/>(۴) نخواهم به پیش تو گردن نهاد</p> |
|--|--|

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

**مربی ۱۴۰-** «داد» در کدام بیت، واژه‌ای متفاوت است؟

- |  |  |
|--|--|
| <p>بازاً که من به عفو گناهت ضمان شدم<br/>همانا بی غلط باشد که حافظ داد تلقینم<br/>کام بستانم از او یا داد بستاند ز من<br/>به خاک پای عزیزت که عهد نشکستم</p> | <p>(۱) دوشم نوید داد عنایت که حافظا<br/>(۲) حدیث آرزومندی که در این نامه ثبت افتاد<br/>(۳) او به خونم تشنه و من بر لبش تا چون شود<br/>(۴) اگرچه خرمن عمرم غم تو داد به باد</p> |
|--|--|

**مربی ۱۴۱-** کلمات کدام گزینه هم خانواده یا هم ریشه نیستند؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>(۲) مستغنی، استغنا، غنا، غنی<br/>(۴) رزق، ارتزاق، رازق، مرزوق</p> | <p>(۱) قرابت، مقرب، قریب، مقبره<br/>(۳) خاصه، اختصاص، تخصص، خصیصه</p> |
|--|---|

**مربی ۱۴۲-** معنای چند واژه روبه‌روی آن درست نوشته شده است؟

(معرکه: جای نبرد) - (هنگامه: داد و فریاد) - (خیره: غمگین) - (فضل: دانش) - (فروغ: روشنایی) - (بله: وابسته) - (مولع: حریص) - (تیمار:

غم) - (افلاک: آسمان) - (مستغنی: بی نیاز)

- |                 |                |               |                |
|-----------------|----------------|---------------|----------------|
| <p>(۴) چهار</p> | <p>(۳) پنج</p> | <p>(۲) شش</p> | <p>(۱) هفت</p> |
|-----------------|----------------|---------------|----------------|

**مربی ۱۴۳-** در کدام گروه واژه‌ها، غلط املایی مشهود است؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>(۲) تیمار و توجّه - نوع و نمت - مولع و آزمند - حوض وسط حیات<br/>(۴) عرضه و ارائه - منسوب و مربوط - چشمه غلغله‌زن - بغض و نفرت</p> | <p>(۱) مستغنی و محتاج - ضایع و تلف - تل و تپه - تلخیصی متن<br/>(۳) سهمگن و زهره‌در - قرابت و خویشی - فروغ و پرتو - تعلل و بهانه</p> |
|--|---|

### قرابت معنایی

**۱۴۴-** عبارت «در همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد» با کدام بیت تناسب دارد؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>(۱) چه در کار و چه در کار آزمودن<br/>(۲) چو خویشتن نتواند که می خورد قاضی<br/>(۳) پیش از آن کن حساب خود که تو را<br/>(۴) بده داد بیچاره گر بایدت</p> | <p>نباید جز به خود محتاج بودن<br/>ضرورت است که بر دیگران بگیرد سخت<br/>دیگری در حساب گیرد سخت<br/>که دادت دهد داور دادگر</p> |
|---|--|

**۱۴۵-** عبارت «به هر نیک و بد زود شادان و زود اندوهگین مشو که این فعل کودکان باشد.» با کدام گزینه تناسب مفهومی بیشتری دارد؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>(۱) مرد نادان ز غم آسوده بود چون کودک<br/>(۲) چو نیک و بد به سرآید جهان همان بهتر<br/>(۳) با بد چرخ نیک باید زیست<br/>(۴) طفل را اندیشه فردای سختی نیست نیست</p> | <p>خیز و چون تخته بشو دفتر دانایی را<br/>که زندگی همه بر طبع شادمانه کند<br/>وز غم دهر شاد باید بود<br/>طالب دنیا غم عقبی نمی‌داند که چیست</p> |
|---|--|

**۱۴۶-** عبارت «خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده مباش» با کدام بیت از نظر مفهوم متناسب است؟

- |  |   |
|--|---|
| <p>(۱) چو می‌دانم قصور پایه خویش<br/>(۲) نیکی و بدی در گهر خلق سرشتند<br/>(۳) خوشا وقت آن کس که در پیش خلق<br/>(۴) تو بدسگالی و نیکی طمع کنی هیهات</p> | <p>خلاف عقل باشد خودنمایی<br/>از نامه نخوانند مگر آن‌چه نوشته است<br/>نکوکار و منصف بود زیر دلق (=) جامه درویشان<br/>ز خیر، خیر تراوش نماید از شر، شر</p> |
|--|---|

**۱۴۷-** مفهوم کدام گزینه با مفهوم عبارت «به وقت نومیدی امیدوار تر باش» ارتباط دارد؟

- |   |  |
|---|--|
| <p>(۱) از شب بخت سیاهم صبح آمیدی نژاد<br/>(۲) هنوز با همه دردم امید درمان است<br/>(۳) روز هجران و شب فرقت یار آخر شد<br/>(۴) جزای آن‌که نگفتیم شکر روز وصال</p> | <p>حرف خواب‌آلودگان است این‌که شب آستن است<br/>که آخری بود آخر شبان یلدا را<br/>زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد<br/>شب فراق نخفتیم لاجرم ز خیال</p> |
|---|--|

۱۴۸- بیت «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) دل ما را ز دست غم امان نیست
- ۲) حافظا چون غم و شادی جهان در گذر است
- ۳) گر دست دهد شادی وصل تو زمانی
- ۴) ترک غم و شادی جهان غایت عقل است

- ۱) نشان شادمانی در جهان نیست
- ۲) بهتر آن است که من خاطر خود خوش دارم
- ۳) غم‌های جهان جمله فراموش توان کرد
- ۴) سررشته این کار ز دیوانه طلب کن

۱۴۹- عبارت «به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار تا گندم‌نمای جو فروش نباشی» با کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟

- ۱) به اندازه بود باید نمود
- ۲) اگر کوتاهی پای چوبین مبد
- ۳) نیندارم ای در خزان کشته جو
- ۴) عبادت به اخلاص نیت نکوست

- ۱) خجالت نبرد آن که ننمود و بود
- ۲) که در چشم طفلان نمایی بلند
- ۳) که گندم ستانی به وقت درو
- ۴) وگر نه چه آید ز بی‌مغز پوست

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

۱۵۰- کدام بیت با عبارت «بکوش تا گندم‌نمای جو فروش نباشی» قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) هنر ز فقر کند در لباس عیب ظهور
- ۲) مباف جامه روی و ریا که جز ابلیس
- ۳) ز طاعتی که کنی بهر خلق از آن اندیش
- ۴) تخم رسوایی دهد بر، دانه تسبیح زرق (دورویی)

- ۱) که نان گندم درویش طعم جو دارد
- ۲) کس این دو رشته پوسیده بود و تار نکرد
- ۳) که آن رفیق تو را دزد راه خواهد بود
- ۴) آری آری دانه جنس خویش را بار آورد

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

۱۵۱- کدام گزینه با مفهوم بیت «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند» قرابت دارد؟

- ۱) برادران به جهان اعتماد کی شاید
- ۲) خویشتن در بند نیک و بد مکن از بهر آنک
- ۳) غصه چون دست برآرد تو به می دست گرای
- ۴) جهان گویی همه خواب و خیال است

- ۱) که می‌بکاهد شادی و غم بیفزاید
- ۲) زشت و خوب و وصل و هجران، درد و درمان بگذرد
- ۳) که چو سرمست شوی غصه به سر خواهد شد
- ۴) خیال و خواب اگر نبود، چه حال است

۱۵۲- عبارت «هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن را شادی مشمر» با کدام بیت متناسب است؟

- ۱) هر لحظه که می‌کوشم در کار کنم تدبیر
- ۲) دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست
- ۳) غمی خور کان به شادی‌های بی‌اندازه انجامد
- ۴) ز شادی چون شوم خندان تویی پیدا در آن خنده

- ۱) رنج از پی رنج آید زنجیر پی زنجیر
- ۲) پسته را خون می‌شود دل تا لبی خندان کند
- ۳) چو بی‌عقلان مرو دنبال آن شادی که غم گردد
- ۴) ز غم چون می‌کنم افغان تویی پنهان در آن افغان

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

۱۵۳- تنها بیت گزینه ..... با ابیات دیگر گزینه‌ها قرابت معنایی ندارد.

- ۱) دستگیری می‌کنم آن را که گیرد دست من
- ۲) چراغ زندگی را گر جهان‌افروز می‌خواهی
- ۳) دستگیری نیست پیری را به جز افتادگی
- ۴) عمر کوتاه می‌شود از دستگیری پایدار

- ۱) چون دعا دارد اثرها زیر لب خواندن مرا
- ۲) مده از دست چون دامن شبها دستگیری را
- ۳) این کهن‌دیوار را تعمیرکردن مشکل است
- ۴) در بساط زندگانی خضر از آن جاوید ماند

۱۵۴- در کدام بیت مضمون مشترک با جمله پایانی عبارت «اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد و اثر غم

و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن» وجود دارد؟

- ۱) مرا روزی نپرسی کاخر ای غم‌خوار من چونی؟
- ۲) سر غم عشق را در دل اندوهناک
- ۳) می‌خواست کزان غم آشکارا
- ۴) اسیر درد و محنت بایدهم دم را فروبستن

- ۱) دل بیمار چون است و تو در تیمار من چونی؟
- ۲) هر چه نهان می‌کنی از همه پیداتر است
- ۳) گریه نفسی نداشتت یارا
- ۴) بمیرد زار و لب هرگز پی اظهار نگشاید

(انسانی ۹۸)

۱۵۵- مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز .....

- ۱) صبر کن ای دل که آخر رنج تو هم بگذرد
- ۲) دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست
- ۳) شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
- ۴) به عیش کوش و میندار همچو نااهلان

- ۱) دولت و محنت نماند شادی و غم بگذرد
- ۲) پسته را خون می‌شود دل تا لبی خندان کند
- ۳) زود آیند و زود می‌گذرند
- ۴) که عمر را عوض و وقت را قضایی هست

(هنر ۹۸)

۱۵۶- بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) شاد باش و فارغ و ایمن که من
- ۲) تا غمت آمده از خانه دل جان رفته است
- ۳) روزگار غصه و دوران انده درگذشت
- ۴) به صلح و جنگ جهان هیچ اعتماد مکن

- ۱) زود آیند و زود می‌گذرند
- ۲) آن کنم با تو که باران با چمن
- ۳) روزگاری است که این آمده و آن رفته است
- ۴) نوبت دل‌شادی است امروز «سلمان» غم مخور
- ۵) که صلح او همه هزل است و جنگ او باد است

### آرایه های ادبی

۲۵۷۳- کدام آرایه در این بیت وجود ندارد؟

«چو خورشید تابان برآورد پر

(۱) استعاره مکنیه (۲) تشبیه

۲۵۷۴- در کدام گزینه «استعاره» وجود ندارد؟

(۱) در من طلوع آبی آن چشم روشن

(۲) بیهوده می‌کوشی که راز عاشقی را

(۳) ما هر دوان خاموش خاموشیم، اقا

(۴) دور از نوازش‌های دست مهربانت

۲۵۷۵- آرایه نوشته شده در مقابل کدام گزینه درست است؟

(۱) گر خمر (شراب) بهشت است بریزد که بی‌دوست

(۲) ز باده هیچت اگر نیست این نه بس که تو را

(۳) نه من ز بی‌عملی در جهان ملولم و بس

(۴) از خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد

سیه زاغ پزّان فروربرد سر»

(۳) استعاره مصرّحه (۴) جناس

یادآور صبح خیال‌انگیز دریاست

از من بی‌وشانی که در چشم تو پیداست

چشمان ما را در خموشی گفت‌وگوهاست

دستان من در انزوای خویش تنهاست

هر شربت عذیم که دهی عین عذاب است (ایهام)

دمی ز وسوسه عقل بی‌خبر دارد؟ (تشبیه)

ملالت علما هم ز علم بی‌عمل است (استعاره)

وه که در این خیال کج عمر عزیز شد تلف (اغراق)

(باز در همین المپیاد ادبی)

۲۵۷۶- آرایه مشترک ابیات زیر چیست؟

الف) هر سرو که در چمن درآید  
ب) چشمی که نه فتنه تو باشد  
ج) قَدْ همه دلبران عالم  
د) لعل تو که هست جان حافظ

۱) تشبیه ۲) حس آمیزی

در خدمت قامتت نگون باد  
چون گوهر اشک سرنگون باد  
پیش الف قدت چون نون باد  
دور از لب مردمان دون (= پست) باد

۳) تشخیص ۴) مجاز

۲۵۷۷- در کدام گزینه آرایه‌های «جناس - تشبیه - کنایه» به کار رفته است؟

۱) همای اوج سعادت به دام ما افتد  
۲) حباب‌وار براندازم از نشاط کلاه  
۳) شبی که ماه مراد از افق شود طالع  
۴) به بازگاه تو چون باد را نباشد بار

اگر تو را گذری بر مقام ما افتد  
اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد  
بود که پرتو نوری به بام ما افتد  
کی اتفاق مجال سلام ما افتد؟

(زبان ۸۹)

۲۵۷۸- در کدام گزینه همه آرایه‌های «استعاره - مراعات نظیر - تضاد - جناس» به کار رفته است؟

۱) جهان برای تماشا به پای می‌خیزد  
۲) صدای اوست به حلقوم باد می‌شنوید  
۳) کلید صبح به دست و سرود عشق به لب  
۴) به سوگواری گل‌ها به غمگساری عشق

به پای‌بوسی او روزگار می‌آید  
خروش اوست که از آبشار می‌آید  
ز انتهای شبان، شهسوار می‌آید  
قرار هستی ما بی‌قرار می‌آید

۲۵۷۹- ترتیب آرایه‌های «استعاره - کنایه - ایهام تناسب - مجاز - تشبیه» با توجه به ابیات زیر، در کدام گزینه به درستی مشخص است؟

الف) نگردد تلخ از شور قیامت خواب شیرینم  
ب) لوح دلت از نقش جهان ساده نگردد  
ج) حق رزق تو بر سفره افلاک نوشته است  
د) جُست آب را سکندر و شد خضر کامیاب  
ه) از آن ز کام جهان آستین‌فشان گذرم

به زیر پرده غفلت ز بس مستور شد گوشم  
تا درسی از آن صفحه رخسار نخوانی  
ای سست‌یقین این همه اندیشه نان چیست؟  
روزی به قسمت است نه کوشش در این سرا  
که پشت دست گزیدن ز من نمی‌آید

۱) الف - ج - ب - ه - د ۲) الف - ب - ه - ج - د ۳) د - ه - الف - ج - ب ۴) د - ج - ه - ب - الف

۲۵۸۰- کدام گزینه، به ترتیب بیانگر آرایه‌های ابیات زیر است؟

الف) آفتابی است که هرگز نکند میل غروب  
ب) بی‌خودی در عشق‌بازی باد و رسوایی مباد  
ج) بی‌صحبت شیرین‌لبی تلخ است بر من زندگی  
د) سری که پُر بود از بار آرزو و هوس  
ه) یار ما هرگز نیازارد دل اغیار را

در جهان دل من، مهر رخ روشن تو  
درد بادا و ملامت، ناشکیبایی مباد  
از خود به تنگ آمد دلم جانانه‌ای باید مرا  
اگر تهی نکنم، آورد نگونساری  
گل سراسر آتش است اما نسوزد خار را

۱) ایهام - تضاد - تلمیح - استعاره - تضاد  
۲) تشبیه - جناس - تضاد - تشخیص - جناس  
۳) متناقض‌نما - جناس - حس آمیزی - مجاز - تضاد  
۴) ایهام - تضاد - حس آمیزی - تشبیه - جناس

۲۵۸۱- کدام گزینه تماماً درباره آرایه‌های بیت زیر درست است؟

«آخر چه شد ای برگ گل تازه که دیدار

از بلب‌لب بی‌برگ و نوا بازگرفتی؟»

۱) جناس - تشبیه - کنایه - تناسب  
۲) جناس - تضاد - تلمیح - استعاره - تضاد  
۳) تشخیص - کنایه - حسن تعلیل - جناس همسان  
۴) ایهام - تضاد - حس آمیزی - تشبیه - جناس

(تبریزی ۹۰)

۲۵۸۲- آرایه‌های مقابل همه ابیات به‌استثنای بیت ..... درست است.

۱) گرچه به شب آینه نشاید نگریدن  
۲) چو به خنده بازیام اثر دهان تنگش  
۳) تیرقدی کمان‌کشی زهره‌رخ و مهوشی  
۴) خورشیدی و آن‌که به شب آبی عجب این است

در تو نگرم کاینه‌دیدار نمایی (مراعات نظیر - حسن تعلیل)  
صدف گهر نماید شکر عقیق‌رنگش (استعاره - ایهام)  
جانث فدا که بس خوشی جان و جهان کیستی (تشبیه - جناس)  
شب روز نماید، چو تو دیدار نمایی (تضاد - اغراق)

۲۵۸۳- آرایه نوشته‌شده در مقابل چند گزینه درست است؟

الف) مرگ، تلخ و زندگانی سربه‌سر درد و غم است  
ب) ساغری خواهم دم آخر، مگر همراه او  
ج) دل از تو برنارم هرگز به هیچ وجهی  
د) سینۀ ما هیچ‌که بی‌ناوک (= تیر) جوری نبود  
ه) حدیث بحر فراموش شد که دور از تو

پشت و روی کار عالم هیچ‌یک دلخواه نیست (تناقض)  
سوی تن بازآورم جان به لب آورده را (مجاز)  
روی از تو برنتابم هرگز به هیچ رویی (جناس همسان)  
این مصیبت‌خانه کم دیدم که مهمانی نداشت (استعاره)  
چنان گریسته‌ام، آب برده دریا را (تشخیص)

۱) سه ۲) چهار ۳) یک ۴) دو

دكتور زبان فارسى

۲۷۲۴- هسته كدام گروه به درستي مشخص شده است؟

- (۱) بهترين بازیکن مرحله مقدماتی  
 (۲) پيش بينی چنین روزهایی  
 (۳) نخستین حضور مدیرعامل باشگاه  
 (۴) دکتر شهیدی، استاد فقید دانشگاه تهران

۲۷۲۵- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... واژه مشخص شده «هسته گروه اسمی» است.

- (۱) حمله مغول فصلی جدید در تاریخ این سرزمین گشوده است.  
 (۲) آثار حمله مغولان تا قرن‌های متمادی، هم‌چنان مشهود و نمودار است.  
 (۳) این دوره مورد بررسی و تحقیق دانشمندان خارجی و ایرانی قرار گرفته است.  
 (۴) گاهی شکسته‌شدن ریشه یک درخت کهن زمین را به لرزه درمی‌آورد.

۲۷۲۶- در متن زیر، کدام واژه «هسته گروه اسمی» نیست؟

«مهم این است که آدم در فراموشی و یا در تبعید نمی‌تواند خوشبخت باشد. آدم نمی‌تواند همیشه بیگانه بماند. یک مرد راست است که به

خوشبختی احتیاج دارد، اما همین‌طور به یافتن معنایی برای خودش هم نیازمند است.»

- (۱) معنا  
 (۲) بیگانه  
 (۳) نیازمند  
 (۴) احتیاج

۲۷۲۷- در همه گزینه‌ها تمام واژه‌های مشخص شده، هسته گروه خود هستند، به جز ..... .

- (۱) دیگر اکنون هیچ مرغ پیر یا کوری، در چنین عریانی انبوهم آیا لانه خواهد بست؟  
 (۲) جاودان بر اسب یال‌افشان زردش می‌چمد در آن، پادشاه فصل‌ها، پاییز.  
 (۳) قهوه‌خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین‌پیغام، راستی کانون گرمی بود.  
 (۴) سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت، سرها در گریبان است، کسی سر بر نیارد کرد پاسخ‌گفتن و دیدار یاران را.

۲۷۲۸- در کدام جمله «وابسته پیشین» به کار نرفته است؟

- (۱) سعدی‌نامه یا بوستان اولین اثر مدون سعدی است.  
 (۲) سال‌های آخر حیات بارور سعدی در شیراز گذشت.  
 (۳) در کلیات سعدی همه‌چیز در جای خود قرار دارد.  
 (۴) بی‌تکلف‌ترین بیان حال عاشقانه را در غزلیات سعدی می‌بینیم.

۲۷۲۹- در عبارت «چشمش سیاهی رفت و زمین و آفتاب انگار گم شد و از نظر افتاد. «موسی» حس می‌کرد نه توان دهان به دهان گذاردن

با پسر کربلایی خداداد را دارد و نه تاب گوش سپردن به پرگویی زهرآلود او را» چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

- (۱) پنج  
 (۲) شش  
 (۳) هفت  
 (۴) هشت

۲۷۳۰- عبارت «گفتا: تو کیستی و مرا این سنگ چرا زدی؟ گفت من فلانم و این همان سنگ است که در فلان تاریخ بر سر من زدی. گفت:

چندین روزگار کجا بودی؟ گفت: از جاهت اندیشه همی کردم؛ اکنون که در جاهت دیدم، فرصت غنیمت دانستم.» به ترتیب چند «وابسته

پیشین» و چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

- (۱) سه - دو  
 (۲) چهار - سه  
 (۳) پنج - سه  
 (۴) چهار - دو

۲۷۳۱- در متن زیر به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«می‌دانی ما چند مرحله از حیات را طی کردیم تا فهمیدیم که در عالم، جز جنگیدن و قدرت‌طلبی مرغان چیزهای دیگری نیز وجود دارد.

ده هزار مرحله و بعد صدها مرحله دیگر را طی کردیم تا آموختیم تکامل وجود دارد.»

- (۱) پنج - سه  
 (۲) چهار - سه  
 (۳) پنج - دو  
 (۴) چهار - دو

۲۷۳۲- بن مضارع کدام مصدر نادرست است؟

- (۱) پرستیدن: پرست  
 (۲) زستن: ره  
 (۳) زادن: زاد  
 (۴) نواختن: نواز

۲۷۳۳- بن مضارع «توانستن - انگيختن - فروختن - زدن» به ترتیب کدام است؟

- (۱) توان - انگيز - بفروش - زن  
 (۲) توانست - انگيخت - فروخت - زد  
 (۳) توان - انگيخت - فروش - زن  
 (۴) توان - انگيز - فروش - زن

۲۷۳۴- بن مضارع تمام مصادر در کدام گزینه به درستی مشخص شده است؟

- (۱) باختن: باز - نگاشتن: نگار - آوردن: آور - بالیدن: بال  
 (۲) ارزیدن: ارز - سپردن: سپر - نهادن: نهاد - شستن: شو  
 (۳) افشاندن: افشان - کوفتن: کوب - چیدن: چید - پاییدن: پا  
 (۴) شایستن: شای - پژوهیدن: پژوه - راندن: ران - آزدن: آزر

۲۷۳۵- نوع فعل‌های «بنوازند» داشته می‌ساختم - سپرده باشد - داریم می‌رویم» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- (۱) مضارع التزامی - ماضی مستمر - ماضی نقلی - مضارع اخباری  
 (۲) ماضی التزامی - ماضی مستمر - ماضی بعید - مضارع مستمر  
 (۳) مضارع التزامی - مضارع مستمر - ماضی التزامی - مضارع اخباری  
 (۴) مضارع التزامی - ماضی مستمر - ماضی التزامی - مضارع مستمر

۲۷۳۶- در متن زیر کدام نوع فعل وجود ندارد؟

«تاریخ اختراع خط اوستایی را - که آن هم در اصل از خطوط سامی گرفته شده بود - اواخر دوره ساسانی دانسته‌اند. خط اوستایی مانند اغلب خطوط سامی از راست به چپ نوشته می‌شد و چهل و چهار حرف داشت.»

- (۱) ماضی التزامی (۲) ماضی بعید (۳) ماضی نقلی (۴) ماضی استمراری

۲۷۳۷- نوع فعل‌های عبارت «مرغان دریایی حق ندارند در چنین موقعیتی به رئیس خود جواب بدهند ولی آذرباد خاموش نماند.» به ترتیب

در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) مضارع اخباری - مضارع التزامی - ماضی ساده  
 (۲) مضارع التزامی - ماضی ساده - ماضی ساده  
 (۳) مضارع اخباری - ماضی بعید - مضارع التزامی  
 (۴) مضارع التزامی - مضارع التزامی - مضارع اخباری

۲۷۳۸- در همه گزینه‌ها نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب درست است؛ به جز .....

- (۱) سیاه‌نامه‌تر از خود کسی نمی‌بینم  
 (۲) مکارم تو به آفاق می‌برد شاعر  
 (۳) گر دیگران به عیش و طرب خرم‌اند و شاد  
 (۴) روز اول رفت دینم در سر زلفین تو  
 چگونه چون قلمم دود دل به سر نرود (قید - نهاد)  
 از او وظیفه و زاد سفر دریغ مدار (نهاد - مفعول)  
 ما را غم نگار بود مایه سرور (مضاف‌الیه - مسند)  
 تا چه خواهد شد در این سودا سرانجام هنوز (صفت - قید)

۲۷۳۹- ضمائر پیوسته بیت «هزار شکر که دیدم به کام خویش باز / ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز» به ترتیب با واژه‌های

مشخص شده کدام گزینه هم‌نقش هستند؟

- (۱) تا چند همچو شمع زبان‌آوری کنی  
 (۲) کار دینداران بساز و جان بدخواهان بسوز  
 (۳) نیازمند بلا گو رخ از غبار مشوی  
 (۴) نومید نیستم که هم او مرهمی نهد  
 پروانه مراد رسید ای محب خموش  
 گنج بهروزی بیاب و روز پیروزی بین  
 که کیمیای مراد است خاک کوی نیاز  
 ورنه به هیچ به نشود دردمند او

۲۷۴۰- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

- «زلفش کشید باد صبا چرخ سفله بین  
 کان جا مجال باد وزانم نمی‌دهد»  
 (۱) نهاد - مفعول - صفت - متمم  
 (۲) مفعول - منادا - قید - متمم  
 (۳) منادا - مفعول - قید - متمم  
 (۴) نهاد - منادا - صفت - مضاف‌الیه

### تاریخ ادبیات

۲۷۴۱- نام پدیدآورندگان «پرنده‌ای به نام آذرباد» و «دیوان غربی - شرقی» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) ریچارد باخ - یوهان ولفگانگ گوته  
 (۲) یوهان ولفگانگ گوته - جبران خلیل جبران  
 (۳) ریچارد باخ - رابیندرانات تاگور  
 (۴) یوهان ولفگانگ گوته - جبران خلیل جبران

۲۷۴۲- «سودابه پرتوی» کدام یک از آثار زیر را ترجمه کرده است؟

- (۱) سمفونی پنجم جنوب (۲) پیامبر و دیوانه  
 (۳) ماه نو و مرغان آواره  
 (۴) پرنده‌ای به نام آذرباد

۲۷۴۳- نام پدیدآورنده کدام اثر نادرست است؟

- (۱) پیامبر و دیوانه ← جبران خلیل جبران  
 (۲) دیوان غربی - شرقی ← یوهان ولفگانگ گوته  
 (۳) پرنده‌ای به نام آذرباد ← آندره ژید  
 (۴) ماه نو و مرغان آواره ← رابیندرانات تاگور

۲۷۴۴- نام نویسنده یا شاعر چند اثر نادرست است؟

(هم‌صدا با حلق اسماعیل: جبران خلیل جبران) - (شلواری و صله‌دار: رسول پرویزی) - (سه دیدار: نادر ابراهیمی) - (ماه نو و مرغان آواره:

رابیندرانات تاگور) - (پیامبر و دیوانه: فرانسوا کوپه)

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۷۴۵- پدیدآورندگان «جوامع الحکایات و لوامع الزوایات - تذکرة الاولیا - تحفة الاحرار - اسرارنامه» به ترتیب چه کسانی هستند؟

- (۱) جامی - محمد عوفی - محمد بن منور - سنایی  
 (۲) محمد عوفی - عطار - فخرالدین علی صفی - عطار  
 (۳) محمد عوفی - عطار - جامی - عطار  
 (۴) خواجه عبدالله انصاری - محمد عوفی - جامی - سنایی



ادبیات تعلیمی

- ادبیات تعلیمی چیست؟ گاهی شاعر یا نویسنده، موضوع و مفهومی رفتاری یا اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه‌ی اندرز بازگو می‌کند و برای این منظور از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره می‌گیرد؛ چنین آثاری را «ادبیات تعلیمی» می‌نامند.
- هدف و موضوع آثار تعلیمی چیست؟ اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.
- برای جذابیت بیشتر آثار تعلیمی از چه رویکردی می‌توان بهره گرفت؟ آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این گونه آثار ادبی، به‌ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند.
- چند نمونه از آثار ادبیات تعلیمی را نام ببرید. قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان سعدی، بوستان سعدی، مثنوی معنوی مولوی و نیز برخی آثار طنز، جنبه‌ی تعلیمی هم دارند.

پدیدآورنده	قالب	اثر
نیما یوشیج (علی اسفندیاری)	نظم (مثنوی)	چشمه
محمدی اشتهاردی	نثر	داستان‌های صاحب‌دلان

نیما یوشیج نام شاعرانه (تخلص) علی اسفندیاری است.



گفت و معنی

واژگان موجود در واژه‌نامه

- نموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده
- پرستاری و خدمت کردن.
- مستغنی: بی‌نیاز
- مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل
- تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجه؛ ضایع: تباه، تلف
- تیمارداشتن: غمخواری و محافظت از کسی که
- قربان: خویشی، خویشاوندی
- بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ مولع: شیفته، بسیار مشتاق، آزمند

واژگان دیگر متن

- میاسا: آسوده نباش، استراحت نکن، نایست
- ملازم و همراه شدن، روی برگرداندن و ...)
- (آسودن: ایستادن، استراحت کردن، توقف)
- از جای شدن: کنایه از «متغیر و دگرگون حال
- شدن، خشمگین و ناراحت شدن»
- نمودن: نشان دادن، ارائه کردن، آشکار کردن (نمای: نشان بده)
- مشمر: ندان، به حساب نیاور
- داد دادن: اجرای عدل و انصاف (معانی «داد»: عطا
- کرد و بخشید، عدل و انصاف، فریاد)
- پیدا مکن: آشکار نکن، نشان نده
- هنر: فضیلت، کار برجسته
- فعل: عمل، کار
- رستن: نجات یافتن، رهاشدن
- نهاد: سرشت، خوی، طینت، طبیعت
- قابوس: مرد نیکوروی
- پنگردی: متغیر و دگرگون نشوی (معانی «گشتن و
- گردیدن»: معادل شدن «فعل اسنادی»، دور زدن
- و چرخیدن، سیر و تفرج، تغییر و تحول یافتن،
- خوشف: نام دهی از توابع بیرجند
- بِر و پر: خیره
- تَل: پُشته، تپه بلند
- خشت: آجر خام، گل ناپخته
- اِصرار: پافشاری
- خِپله: آدم چاق و کوتاه‌قد
- رعشه: لرزیدن
- سراسیمه: مضطرب
- تصرف: در کاری یا چیزی به میل خود تغییر
- ایجادکردن
- تلخیص: خلاصه کردن

روابط معنایی	هم آواها / کلماتی که نباید به جای هم به کار ببریم.
تضاد ← شادان و اندوهگین - حَق و باطل - امید و نومیدی - عیب و هنر - خویش و بیگانه - غم و شادی - نیک و بد	قربایت: خویشی، نزدیکی / غرابیت: دوری، شگفتی خویش: خود، خویشاوند / خویش: گاوآهن غریب: عجیب، ناآشنا / قریب: نزدیک حیاط: محوطه، فضا / حیات: زیستن و زندگی خواست: طلب کرد، تقاضا، اراده / خاست: بلند شد، به وجود آمد خُرد: کوچک، ریز، ناچیز / خورد: بلعید، فروبرد قُدر: ارزش و اندازه / غُدر: خیانت، مکر، بی‌وفایی مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل / محال: جمع محل؛ جای‌ها رُستن: رهاشدن / رُستن: روییدن إصرار: پافشاری / آصرار: جمع سَر؛ رازها
ترادف ← تیمار و اندیشه - مولع و آزمند	

## کلمات مهم املائی و هم خانواده

مستغنی و محتاج (مستغنی ← غنی، اغنیاء، استغنا) تیمار و غمخواری مُحال و بی‌اصل حال و نهاد (حال ← احوال) ضایع و تلف (ضایع ← تضييع / تلف ← اتلاف) قربایت و خویشی (قربایت ← قُرب، تقرّب، قریب، مقرب، اقربا، متقارب، تقریب) تاب و طاقت	حُرمت و احترام (حرمت ← حریم، محترم، حرم، احرام) مولع و آزمند (مولع ← ولع) عنصرالمعالی (عنصر ← عناصر / معالی ← علی، اعلی، عالی) قرینه لفظی (لفظ ← ألفاظ، تلقظ / قرینه ← قراین، مقرون) ابن حُسام خوسفی حوض وسط حیاط تل و تپه	خُرده و ریزه مفصل و گسترده (مفصل ← تفصیل) بغض و نفرت عَمَله و عامل اصرار و الحاح (اصرار ← مُصرّر) طاس و بی‌مو غریب و غریبه (غریب ← غربت، غُربا) رعشه و لرزه (رعشه ← ارتعاش، مرتعش) تصرّف و تلخیص
--	--	--

## مفهوم، آرایه و دستور

## از آموختن ننگ مدار

تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده مباش.

مفهوم: نیکوکاری در ظاهر و باطن

نکته و تئوری: «میاسا» و «مباش» ← فعل نهی؛ «نمای» ← فعل امر

به زبان، دیگر مگو و به دل، دیگر مدار، تا گندم‌نمای جوفروش نباشی.

مفهوم: پرهیز از تظاهر و ریا

آرایه: کنایه: گندم‌نمای جوفروش ← دورو، ریاکار (کسی که خود را بهتر از چیزی که هست، جلوه می‌دهد). / تضاد: گندم و جو (گندم در گذشته، گران و جو ارزان بوده است). / تناسب و تضاد: گندم و جو - زبان و دل / بیان مثل: گندم‌نمای جوفروش

نکته و تئوری: فعل «نباشی» منفی است. / در هر دو جمله، «دیگر» در نقش مفعول است و صفت مبهم یا قید نیست.

و اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.

مفهوم: حسابرسی اعمال خود (خودحسابی)

آرایه: تکرار: داد - خویشتن / تلمیح: به حدیث «حاسبوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»: به حساب اعمالتان برسید قبل از این که به حسابتان رسیدگی شود. / جناس (همسان): که (زیرا) و که (کسی) / تناسب: داد و داور

نکته و تئوری: فعل «باشد»، معادل «است» و مضارع اخباری است.

اگر غم و شادیت بُود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد و اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن.

مفهوم: غم دل را با غمگسار باید گفت / حفظ ظاهر و خویشتن داری

آرایه: تضاد: غم و شادی / تکرار: غم - شادی

نکته و تئوری: زمان و نوع فعل‌های این عبارت: بُود ← مضارع التزامی؛ گوی ← امر؛ دارد ← مضارع اخباری؛ مکن ← نهی ضمیر «ت» در «شادیت»، متمم است: اگر برای تو غم و شادی وجود داشته باشد.

متمم نهاد فعل غیر استاری

و به هر نيك و بد، زود شادان و زود اندوهگين مشو كه اين، فعلِ كودكان باشد.

مشهور: حفظ ظاهر / خويشتن داري

آرايه: تضاد: نيك و بد - شادان و اندوهگين

كلمه و ستوري: مشو ← فعل نهی است.

بدان كوش كه به هر مُحالي از حال و نهاد خويش بنگردی كه بزرگان به هر حقّ و باطلاي از جای نشوند.

مشهور: ثبات و استواري

آرايه: تضاد: حق و باطل / كنايه: از جای شدن ← تغيير حال پيدا كردن - از حال و نهاد خويش بنگردی ← از خود بي خود نشوی / جناس

ناهمسان: مُحال و حال

كلمه و ستوري: فعل «بنگردی» در معنی «دگرگون نشوی» و مضارع التزامی منفی است («به» در آغاز این فعل، مربوط به کاربرد كهن فعل است).

به وقت نومیدی اميدوار تر باش و نومیدی را در اميد بسته دان و اميد را در نومیدی.

مشهور: اميدوار بودن در هنگام روی آوردن نومیدی

آرايه: تضاد: نومیدی و اميد / تکرار: نومیدی - اميد

كلمه و ستوري: فعل «باش» و «دان» هر دو امر هستند. / در جمله پایانی «مسند» و «فعل» به قرینه لفظی حذف شده‌اند: و اميد را در ناامیدی [بسته] [دان] مسند فعل

رنج هيچ كس ضايع مكن و همه كس را به سزا حق شناس باش.

مشهور: قدرشناس زحمات ديگران بودن

پيران قبيله خويش را حرمت دار وليكن به ايشان موعّ مباحش تا هم چنان كه هنر ايشان همی بينی، عيب نيز بتوانی دید.

مشهور: توصيه به حرمت گذاشتن به پيران / دیدن عيوب خويشان در کنار محاسن ايشان (نگاه واقع بينانه داشتن)

آرايه: تضاد: هنر و عيب

كلمه و ستوري: «همی بينی» معادل فعل «می بينی» و مضارع اخباری است. / «دار» فعل امر از مصدر «داشتن» است.

و اگر از بيگانه ناايمن شوی، زود به مقدار ناايمنی، خويش را از وی ايمن گردان.

مشهور: تدبير و دوراندیشی در مواجهه با بيگانه

آرايه: تضاد: ايمن و ناايمن

كلمه و ستوري: «گردان» فعل امر از مصدر «گرداندن» است.

و از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی.

مشهور: علم آموزی موجب سريلندی و نادانی مایه ننگ است.

آرايه: تکرار: ننگ

### كارگاه متن پژوهی

كتابی كه در او داد سخن آرایي توان داد.

آرايه: جناس: داد و داد (تام) / كنايه: داد چیزی را دادن ← حقّ آن را تمام و كمال ادا كردن

عشق، شوری در نهاد ما نهاد

مشهور: هر شور و غوغایی از عشق است.

آرايه: جناس: نهاد و نهاد (تام) / تشخيص: (شور نهادن) عشق

شاد و بی غم بزی كه شادی و غم زود آيند و زود می گذرنند

مشهور: زود گذر بودن خوشی و ناخوشی

آرايه: تضاد: شادی و غم - آمدن و گذشتن / تکرار: شاد - غم - زود / واج آرایي: صامت / د

كلمه و ستوري: «بزی» فعل امر از مصدر «زیستن» است.

«حاسبوا قبل أن تُحاسبوا»

مشهور: توصيه به خودحسابی [پيش از حسابرسی توسط ديگران يا حسابرسی روز قيامت]



## چهار لغت و معنی

### واژگان موجود در واژه نامه

پرونده: پرورش یافته	خویشان: جمع خویش؛ اقوام	جهد: کوشش، تلاش، سعی
رایت: بیرق، پرچم، دزفش	چاره‌گری: تدبیر، مصلحت‌اندیشی	گزاف‌کاری: زیاده‌روی، بیهوده‌کاری
جهانگیر: گیرنده عالم، فتح‌کننده دنیا	جمله: همه، سراسر	سرشت: فطرت، آفرینش، طبع
خنیده: مشهور، معروف، نامدار؛ خنیده‌نام‌تر گشتن:	موسم: زمان، هنگام	غایت: پایان، فرجام، نهایت
مشهورتر شدن، پراوازه‌تر گردیدن	مَحیل: کجاوه که بر شتر بندند، مَهْد	

### واژگان دیگر متن

غنا: نغمه، سرود، آواز خوش	محراب: قبله، عبادتگاه	آشنایی: عشق، مهرورزی، محبت
غنایی: منسوب به غنا، طرب‌انگیز	مهد: گهواره، تخت روان	ستاندن: گرفتن (پستان: بگیر)
آسمان‌گیر: فتح‌کننده آسمان؛ کنایه از «مشهور و پراوازه»	توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهد بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن (توفیق‌دادن: موفق و رستگار ساختن)	مثنوی: منسوب به مثنی، دودو، مزدوج، دوتایی
شیفتنگی: عشق‌ورزی، شیدایی	رستگاری: آزادی و رهایی، نجات و خلاصی	پیر: مرشد، پیشوا، شیخ
درماندن: عاجز و ناتوان شدن	حدیث: سخن	تعالی: بلند و برتر
زبان‌کشیدن (در چاره‌گری زبان کشیدند): سخن گفتن	بَر: آغوش	تذکره: یادداشت، کتابی در شرح حال عارفان
حاجت‌گه: محل اظهار حاجت و نیاز		

## جدول روابط معنایی

روابط معنایی	هم آواها / کلماتی که نباید به جای هم به کار ببریم.
تناسب ← اشتر و محمل - حج و کعبه - لیلی و مجنون - حلّ و مسئله	خویش: خود، خویشاوند / خیش: ابزار شخم‌زدن زمین، گاوآهن
تضاد ← خویش و بیگانه - بیچارگی و چاره‌گری - آزاد و مبتلا - بگریست و بخندید - غایت و بدایت - پستان و آفرای - درد و دوا - عشق و عقل - تعمیر و تخریب	تحلیل: تجزیه / تهلیل: لا اله الا الله گفتن، تسبیح
ترادف ← بیرق و رایت - درفش و پرچم - قوم و خویش - مهد و کجاوه - طبع و فطرت	قالب: شکل، پیکره / غالب: پیروز، چیره
تضمن ← اشتر و حیوان - مثنوی و قالب - تشبیه و آرایه	محراب: قبله، جای ایستادن پیش‌نماز، بالای خانه و صدر مجلس / مهرباب: نام پادشاه کابل در شاهنامه که از نوادگان ضحاک بود، پدر رودابه مادر رستم
	زمین: سطح کره خاکی، ارض / زمین: ضامن، کفیل
	خاست: بلند شد، پیدا شد، به وجود آمد، از بین رفت / خواست: طلب کرد (فعل)، اراده، میل و آرزو، تقاضا (اسم)
	فزا: بن مضارع از مصدر افزودن / فضا: میدان و عرصه، زمین وسیع، آن سوی جو
	اسیر: گرفتار و در بند / عسیر: سخت و دشوار / عصیر: شیر و فشرده چیزی
	نثر: پراکنده کردن، پراکنده، کلامی که شعر نباشد / نصر: یاری، پیروزی
	بگذار: رها کن، اجازه بده، ترک کن / بگزار: به جای آور، ادا کن، بپرداز، برسان
	غنا: نغمه، سرود، آواز خوش / غنا: توانگری، ثروت
	مَحیل: کجاوه، مَهْد / مَهْمَل: کلام بیهوده و بی‌معنی
	فطرت: سرشت / فطرت: سستی

## کلمات مهم اطلاق و هم خانواده

غنا و طرب (غنا ← مغنی «سرودخوان»، آغانی «سرودها»)	محراب و حاجت‌گه (محراب ← حَرَب، مُحارِب)	خواست و طلب
رایت و بیرق	اتفاق و اتحاد (اتفاق ← مَتَفِق، توافِق)	جَدّ و جهد (جهد ← جاهد، جهاد، مجاهده، مجاهد، اجتهاد، مجتهد)
بیچارگی و درماندگی	موسم حج (حج ← حاج، حجاج)	گزاف و بیهوده
	مهد و مَحیل (محمل ← حمل، حامل، محموله)	

غایت و نهایت شیوۀ بلاغی (بلاغی ← بلیغ، بلاغت) مطابق با زبان معیار منظوم و منثور (منظوم ← نظم، ناظم، منظومه / منثور ← نثر) قالب مثنوی (قالب ← قوالب)	تحلیل سیر فکری (تحلیل ← حل، مُنحل، حلال، محلول، انحلال) تعمیر عمارت (تعمیر ← عمارت، عمران، معمار، معمور (آبادشده)) عیار و معیار (معیار ← عیار، معاییر) قیاس و مقایسه	سری سقّطی حلّ مسئله (مسئله ← سؤال، مسائل، سائل) طبع و فطرت (طبع ← طبیعت، طبایع، مطبوع) تذکرة الاولیای عطار (تذکرة ← ذکر، ذاکر، مذکور / عطار ← عطر، معطر)
---	---	---

### مفهوم، آرایه و دستور

#### پروژه عشق

چون رایت عشق آن جهان گیر شد چون مه لیلی آسمان گیر،

مفهوم: شهرت یافتن عاشق در عشق / شهرت حسن معشوق

آرایه: تشبیه: رایت عشق (اضافۀ تشبیهی) / تشبیه: رایت عشق به مه لیلی / کنایه: آسمان گیر ← مشهور / استعاره (مصرّحه): مه ← صورت / جناس: چون و چون (تام)

نکته و ستوری: شیوۀ بلاغی ← تقدّم فعل بر متمّم و مسند: ... چون مه لیلی آسمان گیر شد  
متّم مسند

هر روز خنیده نام تر گشت در شیفتگی تمام تر گشت

آرایه: جناس: هر و در (ناقص) («هر» صفت مبهم است و می توان آن را با «در» که حرف اضافه است، دارای جناس دانست.)

برداشتی دل ز کار او بخت درمآند پدر به کار او سخت

مفهوم: برگشتن بخت از عاشق و درماندگی اطرافیان عاشق در کار او

آرایه: کنایه: دل برداشتن ← ناامید شدن / تشخیص: (دل برداشتن) بخت / جناس: بخت و سخت (ناقص)  
نکته و ستوری: شیوۀ بلاغی ← بخت از کار او دل برداشته، پدر به کار او سخت درمآند. / «سخت» قید است.

خویشان همه در نیاز با او هر یک شده چاره ساز با او

مفهوم: چاره اندیشی دوستان و خویشاوندان برای حل مشکل عاشق

آرایه: جناس: در و هر (ناقص)

بیچارگی ورا چو دیدند در چاره گیری زبان کشیدند

مفهوم: چاره اندیشی دوستان و خویشاوندان برای حل مشکل عاشق

آرایه: کنایه: زبان کشیدن ← صحبت کردن

نکته و ستوری: بازگردانی مصراع اول ← چو (چون) وقتی که بیچارگی وی را دیدند.  
مفعول مضافه الیه

گفتند به اتّفاق یکسر کز کعبه گشاده گردد این در

مفهوم: زیارت خانۀ خدا گره گشای مشکلات است.

آرایه: جناس: سر و در (ناقص) / کنایه: گشاده شدن در ← حل شدن مشکل

نکته و ستوری: «به اتّفاق» و «یکسر» هر دو قید هستند. / شیوۀ بلاغی ← تقدّم همۀ اجزای جمله بر نهاد: ... این در از کعبه گشاده گردد  
نهاد متّم مسند

حاجت گه جمله جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست

مفهوم: کعبه قبله گاه همۀ حاجتمندان است.

آرایه: مجاز: جهان ← مردم جهان - زمین و آسمان ← کل هستی / واج آرایی: صامت / ج / / تشبیه: او به محراب / محراب زمین و آسمان (اضافۀ استعاری)

چون موسم حج رسید، برخاست اشتر طلبید و محمل آراست

آرایه: کنایه: محمل آراستن ← آماده شدن برای سفر / تناسب: اشتر و محمل

نکته و ستوری: هر چهار جمله این بیت به شیوۀ عادی هستند.

## درس دوم: از آموختن، ننگ مار

۱۲۹- گزینۀ «۲» همه معانی «مولع» در گزینۀ (۲) دیده می‌شود: **مولع**: «شیفته، آزمند، بسیار مشتاق».

**نکته** دقت داشته باشید که **مولع** صفت است و معنای مصدری نمی‌دهد؛ یعنی به معنای «مشتاق، شیفته و آزمند» است نه «اشتیاق، شیفتگی و آزمندی».

۱۳۰- گزینۀ «۳» **مُحال** یعنی بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل؛ **مستغنی** یعنی بی‌نیاز («بی‌نیازی» در گزینۀ (۱)، معنای واژه **استغنا** است). **تیمار** یعنی غم، حمایت و نگاهداشت، توجه و ضایع هم یعنی تباہ و تلف.

۱۳۱- گزینۀ «۱» **نموده** به معنای «نشان‌داده، ارائه کرده، آشکار کرده» است. **عَمَلَه** جمع عامل و به معنای «کارگران» است. البته این واژه در فارسی امروز، به صورت مفرد، به معنای یک تن کارگر زبردست بتا به کار می‌رود (**عَمَلَه** به معنای «بتا» نیست؛ پس گزینۀ‌های (۳) و (۴) حذف می‌شوند). **قربابت** یعنی خویشی و خویشاوندی (نباید این واژه را با **غرابت** که به معنای «دوری، ناآشنایی و شگفتی» است؛ اشتباه گرفت). **تیمارداشتن** هم به معنای «غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد، پرستاری و خدمت کردن است».

۱۳۲- گزینۀ «۳» در این گزینۀ، املائی همه کلمات به جز **اِصرار** درست است. **اِصرار** به معنای «پافشاری کردن در امری» است که هیچ تناسبی با سایر اجزای این عبارت ندارد. واژه‌های **مفتاح**، **کتمان**، **راز**، **مَحْرَم** و **شیوع**، نشانه‌های خوبی هستند اما در بابیم که واژه صحیح **موردنظر**، **اَسرار** (جمع سَرّ؛ رازها و رموز) است. «مفتاح همه اغراض، کتمان اسرار است» یعنی: کلید همه مقاصد و اهداف آدمی، رازپوشی است.

۱۳۳- گزینۀ «۲» املائی دو واژه **حرمط** و **رسته** نادرست است و شکل صحیح این کلمات به ترتیب، **حرمت** (آبرو، احترام و ارجمندی) و **رسته** (رها، رهاشده) است.

۱۳۴- گزینۀ «۲» **غرابت** به معنای «دوری و شگفتی» با توجه به معنای مصراع دوم و همراهی واژه اهل (خانواده)، صحیح و مناسب نیست و **قربابت** به معنای «خویشان و نزدیکان و خانواده» صحیح است. سعدی می‌گوید: اگر بدایع (غزل‌های نغز و نیکو) سعدی را در بار و بُته‌ها نداشته باشی، پس به خانواده و خویشان چه سوغاتی خواهی داد؟

۱۳۵- گزینۀ «۲» در بیت این گزینۀ غلط املائی نیست و واژه‌های **تَل** (پُشته و تپه بلند، انباشته) و **برخاست** (برپا و بلند شد) املائی صحیحی دارند. چنان است که از **نسرین** «تلی» یعنی: گویی که انباشته‌ای از گل نسرین است. غلط‌های موجود در گزینۀ‌ها به همراه شکل صحیح آن‌ها:

گزینۀ (۱): **بخاوست** ← **بخاست**: **بخاوست** یعنی طلبید و **بخاست** یعنی بلندشد. با در نظر گرفتن معنای مصراع اول و نیز حضور واژه **غلغل**، **بخاست** صحیح است. گزینۀ (۳): **بحر** ← **بهر**: شاعر می‌گوید: من، او [ممدوح را] دریا و ابر می‌خوانم (می‌نامم)، از **بهر** آن که (به خاطر آن که) ... گزینۀ (۴): **حیاط** ← **حیات**: واژه **هلاک** با واژه **حیات** (زندگی و هستی) رابطه معنایی تضاد برقرار می‌کند؛ بر این اساس می‌توانیم به راحتی حدس بزنیم که کلمه مقصود، **حیات** است نه **حیاط** (حیاط: محوطه، فضای باز و بدون سقف خارج از خانه).

۱۳۶- گزینۀ «۲» در گزینۀ (۱) به سزا که ساختار صفتی دارد و به معنای «شایسته و لایق» است، به اشتباه مصدری معنا شده است. **میاسا** در گزینۀ (۳) یعنی «آسوده نباش، استراحت نکن» که نادرست معنی شده است. در گزینۀ (۴) هم **رسته** (از مصدر رستن)، «رها شده» معنی می‌دهد و آنچه به معنای «روبیده» است، **رُسته** است.

۱۳۷- گزینۀ «۳» **نهاد** می‌تواند در معنای فعلی خود یعنی «قرار دادن» و نیز در معنای «طبیعت، ذات و سرشت و اساس و پایه» به کار رود. در عبارت‌های (۱)، (۲) و (۴) **نهاد** به معنای «سرشت و اساس و بنیان» است. در حالی که در عبارت گزینۀ (۳) در معنای فعلی خود به کار رفته است.

۱۳۸- گزینۀ «۴» در گزینۀ (۴) **داد** در مصراع اول به معنای «حق و انصاف و عدل» و در مصراع دوم نیز به معنای «دادخواهی و عدل و انصاف» است. گزینۀ (۱): **داد** من: فریاد و دادخواهی من / **ندهد داد** من: حق مرا نمی‌دهد / خاطر من داد، داد: خاطر من حق و انصاف را داد (ادا کرد).

گزینۀ (۲): **داد** (حق و انصاف) من مسکین **داد** (دادن و عطا کردن) گزینۀ (۳): **داد** (حق) جهان خراب **داد** (ادا کرد، پرداخت و ادا کرد) / **خاکم** به **باد داد** (دادن)، به رنگی که **آب داد** (دادن)

۱۳۹- گزینۀ «۱» در گزینۀ (۱)، **نهاد** به معنای «ذات و وجود، بنیاد» است و شاعر می‌گوید: به نیروی اسبان تازی و مردان دلاور، از بنیان و وجود فرد بدخواه گرد برآور (کنایه از این که از اساس او را نابود کن). اما در گزینۀ‌های دیگر، این واژه به معنای «قرار دادن و نهادن» به کار رفته است.

۱۴۰- گزینۀ «۳» «**داد**» در بیت این گزینۀ به معنای «حق و انصاف» است، حال آن که این کلمه در گزینۀ‌های دیگر، در معنای فعلی (داد و عطا کرد) به کار رفته است.

۱۴۱- گزینۀ «۱» واژه‌های **قربابت**، **مُقرَّب** و **قریب** از یک ریشه (ق ر ب) هستند و هم‌خانواده؛ اما مقبره به معنای «گور» هم‌خانواده این کلمات نیست و از ریشه «ق ب ر» است. سایر کلمات در دیگر گزینۀ‌ها با هم، هم‌خانواده و هم‌ریشه‌اند.

۱۴۲- گزینۀ «۱» معنای **هفت** واژه درست است. واژه‌های **خیر**، **یله** و **افلاک** نادرست معنا شده‌اند که معنای صحیح آن‌ها به ترتیب «حیران، سرگشته، فرومانده، لجاج، بیهوده»، «رها، آزاد» و «آسمان‌ها و چرخ‌ها» است (پیش‌تر گفتیم که واژه جمع باید جمع معنا شود و گرنه غلط معنایی محسوب می‌شود). ۱۴۳- گزینۀ «۲» **نمط** در این گزینۀ، املائی نادرستی دارد و شکل صحیح آن **نمط** (نوع، روش) است. هم‌چنین املائی واژه **حیات** هم با توجه به ترکیب **حوض وسط** ... صحیح نیست و آنچه مناسب است، **حیاط** (فضای سرباز بیرون خانه، محوطه) است.

۱۴۴- گزینۀ «۳» در عبارت سؤال صحبت از انصاف است و این که هر کس اعمال و رفتار خودش را منصفانه حساب کند از داوری و قضاوت (در این دنیا یا آن دنیا) در امان می‌ماند. در گزینۀ (۳) هم شاعر می‌فرماید: قبل از آن که دیگری به سختی از تو حساب‌کنشی کند به حساب خودت برس. مفهوم سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): محتاج دیگران نبودن (فقط به خود و نیروی خود اتکا کردن) گزینۀ (۲): کسی که خودش توان انجام کاری را ندارد بر دیگران سخت می‌گیرد. گزینۀ (۴): اگر می‌خواهی خداوند داد تو را بدهد با عدالت با دیگران رفتار کن. ۱۴۵- گزینۀ «۳» مفهوم مشترک گزینۀ (۳) و عبارت سؤال **شاد** و **غمگین نشدن از خوبی‌ها و بدی‌ها** است. در گزینۀ (۳) شاعر می‌گوید: با وجود بدی روزگار، باید خوب زندگی کرد و در برابر غم زمانه باید شاد بود. مفهوم سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): ترک دانایی سبب آسایش و راحتی است (دانایی موجب آندوه است). گزینۀ (۲): توصیه به شادی به دلیل ناپایداری دنیا گزینۀ (۴): کودکان به فکر فردا نیستند و دنیاطلبان به فکر آخرت.

۱۴۶- گزینۀ «۳» مفهوم عبارت سؤال ضرورت یکی بودن ظاهر و باطن و پرهیز از ریا است. در گزینۀ (۳) شاعر می‌فرماید: خوش به حال کسی که در زیر جامه درویشی (ظاهر موجه)، در عمل نیز نیکوکار و باانصاف باشد. پس مفهوم این بیت هم بر یکی بودن ظاهر و باطن دلالت دارد. مفهوم سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): نکوهش خودنمایی در عین نقص گزینۀ (۲): نیک و بد بودن هر کس در ذات و سرشت او نهاده شده است و تغییر نمی‌کند.

گزینۀ (۴): از کوزه همان برون تراود که در اوست / هر عملی به خود شخص بازمی‌گردد.

۱۴۷- گزینۀ «۲» مفهوم مشترک گزینۀ (۲) و عبارت سؤال از دست ندادن امید در ناامیدی‌ها است و شاعر در گزینۀ (۲) تأکید دارد که شب یلدا هم پایانی دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): تیره‌بختی‌ها و ناامیدی‌ها پایان ندارد (مفهوم مقابل عبارت سؤال).

گزینه (۳): رسیدن زمان وصال و پایان گرفتن غم‌های عاشق

گزینه (۴): شکر نکردن بر وصال سبب دچار شدن به درد فراق است.

گزینه (۱): منظور از «حرف خواب‌آلودگان»، هذیان است و «آبستن بودن شب» یعنی امیدداشتن به نتایج و وقایعی بعد از گذر شب.

۱۴۸- گزینه «۲» در گزینه (۲) همانند بیت سؤال دعوت به شادی، به دلیل ناپایداری غم و شادی جهان دیده می‌شود.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): در این جهان شادمانی وجود ندارد.

گزینه (۳): شادی وصال، تمام غم‌های عاشق را از بین می‌برد.

گزینه (۴): در بند غم و شادی دنیا نبودن / تنها دیوانگان (عاشقان) که در بند غم و شادی جهان نیستند از نهایت هوشمندی برخوردارند.

۱۴۹- گزینه «۳» مفهوم عبارت سؤال ضرورت یکی بودن ظاهر و باطن است و این که نباید در پشت ظاهر نیک، درون ناپسند داشته باشیم. این مفهوم در همه گزینه‌ها دیده می‌شود به جز گزینه (۳) که مفهوم آن این است: هر کاری انجام دهیم نتیجه آن به خودمان بازمی‌گردد: ای کسی که جو کاشته‌ای، گمان نمی‌کنم که هنگام برداشت محصول، گندم درو کنی. در این جا صحبت از این است که «گندم از گندم بروید جو ز جو». سخن از «گندم‌مایی و جو فروشی» نیست.

معنی گزینه (۱): به اندازه آن چه هستی باید خودت را نشان بدهی، کسی که وجود ارزشمندی داشت و خودنمایی نکرد هرگز خجالت‌زده نمی‌شود [در حالی که کسی که آن چه از خود به دیگران نشان می‌دهد فراتر از چیزی است که واقعاً هست، خجالت‌زده خواهد شد].

گزینه (۲) «نمایی» یعنی «به نظر برسی».

۱۵۰- گزینه «۱» در گزینه (۱) سخن از این است هنرهای انسان‌های فقیر و تنگ‌دست، عیب به نظر می‌رسد و نان گندم درویش در نظر دیگران طعم نان جوین می‌دهد و کم‌ارزش جلوه می‌کند. در سایر گزینه‌ها مفهوم نکوهش دورویی و ریاکاری مشترک است.

۱۵۱- گزینه «۲» در گزینه (۲) همانند عبارت سؤال سخن از ناپایداری غم و شادی و بی‌ثباتی احوال روزگار است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): نباید به جهان اعتماد کرد که شادی را کم می‌کند و بر غم می‌افزاید.

گزینه (۳): هنگام غم، سرمستی پیشه کردن

گزینه (۴): خواب و خیال دانستن جهان

شاید: شایسته است

۱۵۲- گزینه «۳» در گزینه (۳) همانند بیت سؤال شاعر ما را از شادی‌هایی که غم در پی دارند برحذر می‌دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): تدبیرها و دوراندیشی‌ها چیزی جز گرفتاری ندارند. در این بیت شاعر معتقد است تدبیر ما انسان‌ها چیزی جز گرفتاری در پی نخواهد داشت.

گزینه (۲): برای رسیدن به شادی باید سختی کشید و خون دل خورد.

گزینه (۴): حضور معشوق در شادی و غم عاشق (در تمام لحظه‌های زندگی عاشق).

۱۵۳- گزینه «۳» مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) کمک و دستگیری از نیازمندان است در حالی که در گزینه (۳) بر فروتنی در هنگام پیری تأکید شده است.

۱۵۴- گزینه «۴» مضمون مشترک گزینه (۴) و عبارت سؤال توصیه به پنهان داشتن احساسات درونی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): گله از بی‌توجهی معشوق به غم و درد عاشق

گزینه (۲): عشق را نمی‌توان پنهان کرد.

گزینه (۳): نداشتن توان برای گریستن از غم عشق / شدت غم

یارا: توان

۱۵۵- گزینه «۲» در گزینه (۲) سخن از این است که برخلاف غم، شادی

آسان به دست نمی‌آید؛ پس در این بیت بر دست‌نیافتنی بودن شادی تأکید شده است. در سایر گزینه‌ها سخن از ناپایداری غم و شادی و گذر عمر است.

گزینه (۴) شاعر به عیش و خوش‌گذرانی توصیه می‌کند، زیرا معتقد است عمر و وقت، عوض ندارند و فرصت از دست‌رفته را نمی‌شود بازگرداند. در این بیت هم ناپایداری عمر و وقت دیده می‌شود و به این جهت با گزینه‌های (۱) و (۳) متناسب است.

۱۵۶- گزینه «۴» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴) ناپایداری شادی و غم در دنیا است. «هزل» در این بیت به معنی «شوخی، غیرواقعی» است و «بادبودن» یعنی «بیهوده و بی‌اساس بودن». مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): وعده‌دادن به مخاطب برای پایان دادن غم‌ها و نگرانی‌های او

گزینه (۲): با آمدن غم عشق، عاشق در قید جان نیست.

گزینه (۳): به پایان رسیدن دوران غم و اندوه و فرارسیدن زمان شادمانی

دیده نمی‌شود، بنابراین گزینه (۱) حذف می‌شود. در بیت «د» تشخیص به کار نرفته است، پس می‌توانیم گزینه (۲) را کنار بگذاریم.

بررسی آرایه‌ها، براساس گزینه (۴):

«الف»: ایهام؛ در این بیت، واژه «مهر» در هر دو معنی خورشید و محبت قابل جای‌گذاری است.

«ب»: تضاد: باد و مباد

«ج»: حس آمیزی: تلخ بودن زندگی

«د»: تشبیه: «بار آرزو» اضافه تشبیهی است.

«ه»: جناس: بار و خار، ما و را

۲۵۸۱- گزینه (۴) با تشبیه، گزینه (۲) با اغراق و گزینه (۳) با حسن تعلیل می‌شوند.

بررسی آرایه‌های گزینه‌های (۴):

جناس همسان: واژه برگ در مصراع نخست به معنی برگ گل و گیاه و در مصراع دوم به معنی توشه است، بی‌برگ به معنی بی‌توشه است.

ایهام: «نوا» در این بیت با دو معنی «توشه و آذوقه» و «نغمه و آهنگ» قابل جای‌گذاری است. «برگ گل» و «بلبل» به ترتیب استعاره از معشوق و عاشق هستند. بین «گل و بلبل»، «برگ و گل» و «بلبل و نوا» تناسب هست.

۲۵۸۲- گزینه (۲) در این گزینه «صدف گهر» استعاره از دندان و «شکر» استعاره از لب است، اما در این بیت ایهام وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): مراعات نظیر: آئینه و دیدار / حسن تعلیل: شاعر علت نگرستن به چهره معشوق را آئینه‌وار بودن چهره او می‌داند.

گزینه (۳): تشبیه: «تبرقد، زهره‌رخ، مهوش» هر سه تشبیه دارند: تشبیه قد به تبر، رخ به زهره، و مهوشی یعنی تو همانند ماه هستی. / جناس: جان و جهان  
گزینه (۴): تضاد: شب و روز / اغراق: ادعای این که حضور معشوق در شب، شب را همانند روز می‌گرداند اغراق آشکاری دارد.

معنی گزینه (۲): وقتی می‌خندد، متوجه می‌شوم دهان دارد (اغراق در کوچکی دهان معشوق)، [در این حالت] لبانش که همچون عقیق سرخ‌رنگ است، دندان‌های همچون گوهرش را نشان می‌دهد.

۲۵۸۳- گزینه (۱) در بیت «الف» تناقضی دیده نمی‌شود، مرگ و زندگانی در یک‌جا جمع نشده‌اند. در بیت «ب» «ساغر» مجاز از شراب است، زیرا با شراب می‌توان جان را دوباره به تن بازگرداند نه با خود ساغر (جام). در بیت «ج» واژه «روی» در کاربرد نخستش در معنی چهره و در کاربرد دومش در معنی شکل و وجه به کار رفته است؛ پس بیت جناس همسان دارد. در بیت «د»، با توجه به مصراع نخست، «مصیبت‌خانه» استعاره از سینه و «مهمان» استعاره از جور و ستم یار است. در بیت «ه» تشخیص وجود ندارد، «حدیث بحر» به معنی سخنی که بحر گفته، نیست، بلکه به معنی سخن درباره بحر است.

۲۵۷۳- گزینه (۲) «پربر آوردن خورشید» استعاره نوع دوم یا اصطلاحاً

استعاره مکنیه دارد، زیرا ابتدا در ذهن شاعر خورشید به پرنده تشبیه شده و سپس پرنده حذف شده و یکی از ویژگی‌های آن؛ یعنی «پر» آمده است. «سیه‌زاغ» استعاره از شب است و بین «پر» و «سر» جناس ناهمسان برقرار است. معنی بیت: وقتی خورشید طلوع کرد، شب رفت.

۲۵۷۴- گزینه (۲) «پوشاندن راز» در گزینه (۲) به معنی پنهان کردن راز است و استعاره ندارد. در گزینه (۱) (طلوع کردن) چشم، در گزینه (۳)، (گفت‌وگو کردن) چشم‌ها و در گزینه (۴)، (تنهایی، انزوا و مهربانی) دست استعاره دارند.

۲۵۷۵- گزینه (۱) «عین» در این گزینه با هر دو معنی «مثل، بعینه» و «چشمه» قابل جای‌گذاری است: هر شربت عذیب که دهی: (۱) مثل عذاب است (۲) سرچشمه عذاب است. آرایه نوشته‌شده برای سایر گزینه‌ها نادرست است.

عذیب: گوارا

۲۵۷۶- گزینه (۱) در بیت «الف» به طور ضمنی قد معشوق در بالابندی به سرو ترجیح داده شده است و اصطلاحاً «تشبیه پنهان» (مضمّر) دارد. در بیت «ب» چشمی که عاشق نباشد به گوهر اشک (گوهر اشک) هم اضافه تشبیهی است (تشبیه شده است. در بیت «ج» «الف قد» اضافه تشبیهی است، وجه تشبیه کشیدگی و راست‌قامتی است؛ در این بیت قد دلبران عالم نیز در مقابل کشیدگی قامت معشوق به حرف نون (ن) تشبیه شده، وجه تشبیه آن خمیدگی و پستی است. در بیت «د» لعل (لب معشوق همچون جان حافظ دانسته شده است.

۲۵۷۷- گزینه (۲) با تشبیه و گزینه‌های (۱) و (۲) با جناس رد می‌شوند. در گزینه (۳) «ماه مراد» اضافه تشبیهی است، بین ماه و ما جناس ناهمسان هست؛ مصراع دوم کنایه از کم‌ترین میزان عنایت و توجه معشوق است. ۲۵۷۸- گزینه (۳) با تضاد گزینه‌های (۱) و (۲) و با جناس گزینه (۴) رد می‌شود.

بررسی آرایه‌های گزینه (۳):

استعاره: «کلید صبح» استعاره مکنیه است، در اصل از تشبیه «خانه صبح»، استعاره «کلید صبح» ساخته شده است. / مراعات نظیر: دست و لب، صبح و شب / تضاد: صبح و شب / جناس: لب و شب

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم ضمیرهای متصل، شناسه فعل‌ها و وندهایی همچون علائم جمع و «ی» نکره را می‌توان در جناس به حساب نیاورد. همان‌طور که می‌بینید کنکور سراسری، بین لب و شبان (جمع شب) جناس در نظر گرفته است.

۲۵۷۹- گزینه (۳) با تشبیه گزینه‌های (۱) و (۲) را می‌توانیم حذف کنیم، زیرا هر دو گزینه، بیت «د» را برای تشبیه پیشنهاد داده‌اند که فاقد تشبیه است. دو گزینه باقی‌مانده برای استعاره بیت «د» را معرفی کرده‌اند، کنایه نیز آرایه قابل اعتمادی برای رد کردن قطعی یک گزینه نیست، به‌ناچار به سراغ مجاز می‌رویم. گزینه (۴) بیت «ب» را برای مجاز پیشنهاد داده که ظاهراً مجاز ندارد؛ ولی گزینه (۳) بیت «ج» را معرفی کرده که مجاز آشکاری دارد؛ در این بیت «نان» مجاز از رزق و روزی است.

بررسی سایر آرایه‌ها براساس گزینه (۳):

«د»: استعاره: «سرا» در مصراع دوم استعاره از دنیاست.

«ه»: کنایه: «آستین‌فشاندن» کنایه از بی‌اعتنایی است و «پشت دست گزیدن» کنایه از پشیمانی.

«الف»: ایهام تناسب: در این بیت «شور» به معنی غوغا و هیجان است؛ اما در معنی طعم شور با تلخ و شیرین تناسب می‌سازد.

«ب»: تشبیه: «لوح دل» و «صفحه رخسار» اضافه تشبیهی هستند.

۲۵۸۰- گزینه (۴) در بیت «الف» متناقض‌نما به کار نرفته است، پس گزینه (۳) رد می‌شود. در بیت «ب» هر دو آرایه تضاد (باد و مباد) و جناس (باد و باز) وجود دارد، پس هیچ‌کدام از گزینه‌ها رد نمی‌شوند. در بیت «ج» تلمیح





۲۷۲۴- گزینه «۳» بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): بهترین بازیکن مرحله مقدماتی  
صفت هسته مضاف‌الیه صفت بیانی  
عالی

گزینه (۲): پیش‌بینی چنین روزهایی  
هسته صفت اشاره مضاف‌الیه

گزینه (۳): نخستین حضور مدیرعامل باشگاه

صفت شمارشی هسته مضاف‌الیه مضاف‌الیه مدیرعامل

گزینه (۴): دکتر شهیدی استاد فقید دانشگاه تهران = دو گروه اسمی  
شافض هسته هسته صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه دانشگاه  
بیانی

(«استاد فقید دانشگاه تهران» بدل از «دکتر شهیدی» است.)

۲۷۲۵- گزینه «۴»

شکسته‌شدن ریشه یک درخت کهن  
هسته مضاف‌الیه صفت شمارشی مضاف‌الیه صفت برای درخت  
برای درخت

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): حمله مغول

هسته مضاف‌الیه

(اولین کلمه کسره‌دار گروه اسمی، هسته است.)

گزینه (۲): ... مشهود و نمودار است.

هسته

(حضور هسته در گروه اسمی الزامی و حضور وابسته‌ها اختیاری است؛  
پس مانند این گزینه، گروه اسمی می‌تواند یک کلمه باشد که آن را هسته  
گروه می‌دانیم.)

گزینه (۳): مورد بررسی و تحقیق دانشمندان خارجی و ایرانی

هسته

۲۷۲۶- گزینه «۱» در گروه اسمی «یافتن معنایی»، «یافتن» هسته و  
«معنا» مضاف‌الیه است.

«بیگانه»، «احتیاج» و «نیازمند» هر کدام هسته یک گروه تک‌کلمه‌ای هستند.

۲۷۲۷- گزینه «۴» «یاران» وابسته پسین از نوع مضاف‌الیه است.

سرها در گریبان است. کسی سر بر نیارد کرد پاسخ‌گفتن و دیدار یاران را  
هسته هسته هسته مضاف‌الیه

(را = برای)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): دیگر، اکنون، در چنین عریانی انبوهم

هسته هسته هسته

گروه (قید) گروه (قید) گروه (متمم)

گزینه (۲): جاودان، در آن، پادشاه فصل‌ها، پاییز

هسته هسته هسته

گروه (قید) گروه (متمم) گروه (بدل)

گزینه (۳): قهوه‌خانه، مرد نقال، راستی = به راستی، حقیقتاً

هسته هسته هسته

گروه (نهاد) گروه (نهاد) گروه (قید)

۱. «مرده‌بودن» در این بیت به معنی نهایت شیفگی است.



۲۷۲۸- گزینۀ «۲» این عبارت وابسته پیشین ندارد:  
 سال‌های آخر حیات بارور سعدی در شیراز گذشت.  
 نوار صفت مضاف‌الیه صفت مضاف‌الیه متمم پسین

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): اولین اثر مدون سعدی  
 صفت هسته  
 شمارشی ترتیبی

گزینۀ (۳): همه چیز

صفت مبهم هسته

گزینۀ (۴): بی‌تکلف‌ترین بیان حال عاشقانه  
 صفت عالی هسته

۲۷۲۹- گزینۀ «۲» وابسته‌های پسین:

(۱) چشمش (۲) توان دهان به دهان گذاردن  
 مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۳) پسر کربلایی خداداد («کربلایی»، شاخص و وابسته پیشین است).  
 مضاف‌الیه

(۴) تاب گوش سپردن ۵ و ۶ پرگویی زهرآلود او  
 مضاف‌الیه صفت بیانی مضاف‌الیه

توجه: «دهان به دهان گذاردن» و «گوش سپردن» هر کدام یک واژه هستند.

۲۷۳۰- گزینۀ «۴» وابسته‌های پیشین: (۱) این سنگ (۲) همان سنگ  
 صفت اشاره صفت اشاره

(۳) فلان تاریخ (۴) چندین روزگار

صفت مبهم صفت مبهم

وابسته‌های پسین: (۱) سر من (۲) جاهت (= جاه تو)

مضاف‌الیه مضاف‌الیه

توجه: «فلان» در جمله «من فلانم» در جایگاه اسم نشسته و مسند جمله است و اساساً موصوفی ندارد که بخواهد صفت آن باشد؛ اما در گروه «فلان تاریخ» اسم بعد از خود را وصف می‌کند و صفت مبهم است. هم‌چنین واژه «این» در جمله «این، همان سنگ است» ضمیر اشاره و نهاد است؛ اما در گروه «این سنگ» به اسم بعد از خود اشاره می‌کند، صفت اشاره و وابسته پیشین است.

توجه: ضمیر پیوسته «ت» در جمله «در چاهت دیدم» مفعول است (تو را در چاه دیدم) و وابسته پسین نیست؛ اما در جمله «از جاهت اندیشه همی کردم» مضاف‌الیه است (از جاه تو اندیشه کردم)، بنابراین آن را وابسته پسین به شمار می‌آوریم.

۲۷۳۱- گزینۀ «۳» ترکیب‌های وصفی: (۱) چند مرحله (۲) چیزهای دیگری (۳) ده هزار مرحله (۴) صدها مرحله (۵) مرحله دیگر  
 ترکیب‌های اضافی: (۱) جنگیدن مرغان (۲) قدرت‌طلبی مرغان

۲۷۳۲- گزینۀ «۳» برای به دست آوردن بن مضارع، از مصدر موردنظر فعل امر می‌سازیم؛ سپس «ب» یا «بی» را حذف می‌کنیم. نظیر: زادن ← بزآ ← زا؛ «زاد» بن ماضی است.

۲۷۳۳- گزینۀ «۴» توانستن ← بتوان ← توان

انگیختن ← بینگیز ← انگیز

فروختن ← بفروش ← فروش

زدن ← بزَن ← زن

۲۷۳۴- گزینۀ «۱» بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): نهادن ← بنه ← نه

گزینۀ (۳): چیدن ← بچین ← چین

گزینۀ (۴): آزدن ← بیازار ← آزار

توجه: «آزار» در این جا بن مضارع است. می‌دانید که همین شکل در جایی دیگر به عنوان اسم به کار می‌رود: «آزار و اذیت او».

۲۷۳۵- گزینۀ «۴» بنوازند: ب+ بن مضارع + شناسه: مضارع التزامی  
 داشتیم می‌ساختم: داشت + شناسه (= ماضی ساده داشتن) + ماضی  
 استمراری: ماضی مستمر

سپرده باشد: صفت مفعولی + باش + شناسه: ماضی التزامی  
 داریم می‌رویم: دار + شناسه + مضارع اخباری: مضارع مستمر

۲۷۳۶- گزینۀ «۱» متن سؤال، فعل ماضی التزامی ندارد.

بررسی افعال متن:

گرفته شده بود: ماضی بعید مجهول (گرفته بود ← مجهول ← گرفته شده بود)  
 دانسته‌اند: ماضی نقلی

نوشته می‌شد: ماضی استمراری مجهول (می‌نوشت ← مجهول ← نوشته می‌شد)  
 داشت: ماضی ساده

۲۷۳۷- گزینۀ «۱» ندارند: مضارع اخباری (توجه: مضارع اخباری از مصدر «داشتن»، بدون «می» ساخته می‌شود).

بدهند: مضارع التزامی

نماند: ماضی ساده

۲۷۳۸- گزینۀ «۴» ضمیر پرسشی «چه» مسند است: سرانجامم در این سودا چه (= چگونه) خواهد شد.

سرانجامم چی / چگونه خواهد شد؟ چه

«اول» صفت شمارشی و وابسته پسین «روز» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): چگونه دود دلم، چون قلم به سر نرود؟

قید نوار

گزینۀ (۲): شاعر مکارم تو ... می‌برد. [تو] از او وظیفه و زاد سفر را دریغ مدار.  
 نوار مفعول

مضمون مصراع اول: شاعر، وصف بزرگواری‌ها و خوبی‌های تو را به گوش همه می‌رساند.

گزینۀ (۳): غم نگار چگونه بود؟ مایه سرور

نوار مضاف‌الیه مسند مضاف‌الیه

۲۷۳۹- گزینۀ «۲» هزار شکر که باز تو را به کام خویش دیدم: مفعول

ز روی صدق و صفا با دل من، دمساز گشته: مضاف‌الیه

در گزینۀ (۲) نیز، واژه‌های مشخص شده به ترتیب در نقش مفعول و مضاف‌الیه هستند:  
 جان بدخواهان را بسوز (= بسوزان).

مفعول مضاف‌الیه

گنج بهروزی (= سعادت، خوشبختی) بیاب.

مفعول مضاف‌الیه

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): تا چند - پروانه مراد

حرف اشاره متمم مضاف‌الیه

گزینۀ (۳): [به] نیازمند بلاگو - خاک کوی نیاز  
 متمم مضاف‌الیه

گزینۀ (۴): او مرهمی [را] نهد - به (= با) هیچ

مفعول متمم

۲۷۴۰- گزینۀ «۱» باد صبا، زلفش را کشید. [تو] چرخ سفله را ببین  
 نوار مفعول

که آن جا مجال باد وزان به من نمی‌دهد.

صفت متمم

معنی بیت: باد صبا زلف یار را کشید و به آن دست یافت، اما روزگار پست را ببین که به من به اندازه باد وزان (= وزنده) هم فرصت نمی‌دهد.

۲۷۴۱- گزینۀ «۱» نام اثر رایبندرنات تاگور «ماه نو و مرغان آواره» و نام

اثر جبران خلیل جبران «پیامبر و دیوانه» است.

گزینه ۲۷۴۲ - «۴»

گزینه ۲۷۴۳ - «۳» «پرنده‌ای به نام آذرباد» را ریچارد باخ نوشته است.

گزینه ۲۷۴۴ - «۳» «هم‌صدا با خلق اسماعیل» نام مجموعه شعری از سید

حسن حسینی است و «پیامبر و دیوانه» را جبران خلیل جبران نگاشته است.

گزینه ۲۷۴۵ - «۳»

